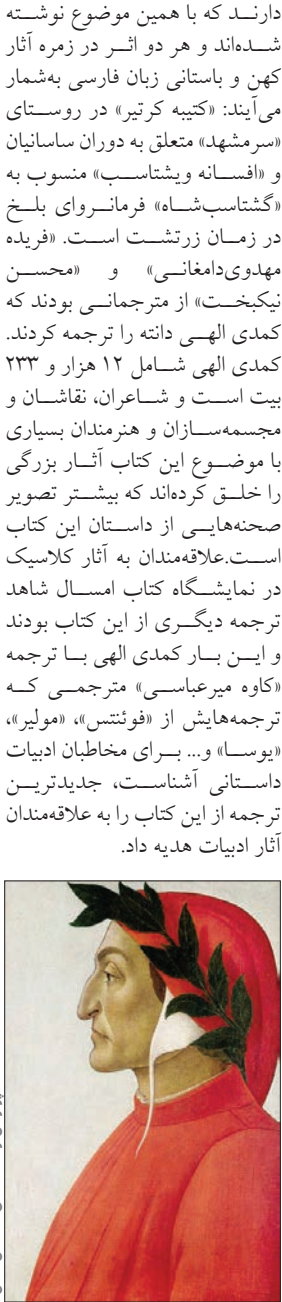


فرهنگستان

نگاهی کو تاه به «کمدی الهی» اثر دانته آلیگیری
ادای احترام به کلاسیک‌ها

کاوه سلالی را «کمدی الهی» را باید یکی از مطرح‌ترین آثار منظوم ادبیات کلاسیک جهان دانست که «دانته آلیگیری» نوشتن آن را سال ۱۳۰۸ آغاز کرد و تا سال ۱۳۲۱ نگارش آن طول کشید که البته این تاریخ معنی دیگری هم دارد و آن مرگ دانته در همین سال است. کمدی الهی کتابی است در سه فصل که شامل روایت سفر خیالی نویسنده‌اش به دوزخ، برزخ و بهشت است. نکته قابل‌تأمل اینجاست که کمدی الهی را یکی از اولین کتاب‌هایی می‌دانند که در حوزه کتاب‌های ادبی در ایتالیا نوشته شده و البته در زمره بزرگ‌ترین آثار در این حوزه نیز قرار گرفته است. برخلاف آنچه امروز رایج است دانته فقط نام «کمدی» را برای این کتاب انتخاب کرد و پسوند آن بعدها توسط یکی از نویسندگان هم‌دوره و عصر دانته به اسم جیووانی بوکاچیو به آن اضافه شد و سال ۱۵۵۵ نام «کمدی الهی» در چاپ ونیز روی جلد کتاب آمد. دانته در این کتاب به دنیای بعد از مرگ سفر می‌کند و در این سفر دو راهنما در کنار او هستند. راهنماهای او در سفر دوزخ و برزخ «ویژیل» شاعر رومی و در بهشت هم «بئاتریس پورتیناری» چهره مورد علاقه دانته هستند. فصل آخر این کتاب «بهشت» است که راوی به دیدار خدا می‌رسد.

«کمدی الهی» در سال ۱۳۳۵ با ترجمه شجاع الدین شفا توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شد. شفا در مقدمه این کتاب به صورت مسبوطی به بررسی کمدی الهی، زندگی و آثار دانته و نقش و تأثیر آن بر ادبیات جهان پس از خود پرداخت. بسیاری از منتقدان کمدی الهی دانته را با کتاب «اردویراف نامه» که در سال‌های پایانی دوره ساسانیان به خط و زبان پهلوی نوشته شده، هم‌تراز می‌دانند. ارداویراف‌نامه تقریباً هزار سال پیش از کمدی الهی دانته نوشته شده و موضوع این کتاب هم سفر به دنیای بعد از مرگ است. البته در ادبیات فارسی دو کتاب دیگر نیز وجود دارند که با همین موضوع نوشته شده‌اند و هر دو اثر در زمره آثار کهن و باستانی زبان فارسی به‌شمار می‌آیند: «کتیبه کرتیر» در روستای «سرمشهد» متعلق به دوران ساسانیان و «افسانه ویشتاسپ» منسوب به «گشتاسب‌شاه» فرمانروای بلخ در زمان زرتشت است. «فریده مهدوی‌دامغانی» و «محسن نیکبخت» از مترجمانی بودند که کمدی الهی دانته را ترجمه کردند. کمدی الهی شامل ۱۲ هزار و ۲۳۳ بیت است و شاعران، نقاشان و مجسمه‌سازان و هنرمندان بسیاری با موضوع این کتاب آثار بزرگی را خلق کرده‌اند که بیشتر تصویر صحنه‌هایی از داستان این کتاب است.علاقه‌مندان به آثار کلاسیک در نمایشگاه کتاب امسال شاهد ترجمه دیگری از این کتاب بودند و این بار کمدی الهی با ترجمه «کاوه میرعباسی» ترجمه‌ی که ترجمه‌هایش از «فونتئس»، «مولیر»، «یوسا» و… برای مخاطبان ادبیات داستانی آشناست، جدیدترین ترجمه از این کتاب را به علاقه‌مندان آثار ادبیات هدیه داد.



پارتی‌های ا طلق، فرهنگستان

ادبیات

پنجشنبه۷خرداد۱۳۹۴۹ شعبان ۱۴۳۶۲۸۱۵۲۰۱۵ شماره ۱۶۷۲



عکاس: رضا حسینی/فرهنگستان

کار برده‌اند و هم بسیار زیبا هستند و هم بسیار فراوان؛ برای تکمیل این رویکرد، خود را هم به ایجاز مقید کردم و هم به کاربرد ساختارهای نحوی شعر که یکی از نمونه‌هایش آوردن فعل است پیش از فعل.

ترجمه اینگونه متون چه باید و نبایدهایی در شکل، ساختار و برگردان به زبان فارسی برای مترجمش ایجاد می‌کند؟

قطعاً هیچ دگم یا احکام جزمی و از پیش تعیین‌شده‌ای وجود ندارد که مترجم موظف به رعایت نعل به نعل آنها باشد، چه برای اینگونه متون یا هر متن دیگر. ترجمه خوب و موفق از ضرورت‌هایی کلی تبعیت می‌کند که برای همه متون صادق است، ولی مسلماً هیچ احکام کاهنانه‌ای در این زمینه وجود ندارد، هرچند شاید کسانی خواست باشند بر چنین جایگاهی جلوس کنند، خوشبختانه راه به جایی نبرده‌اند.

فکر می‌کنید کمدی الهی دانته با توجه به ویژگی‌های جهان امروز باز هم کتابی خواندنی است؟ چرا؟ در این صورت چه ویژگی‌هایی در خوانش و لذت دخیل ضرورت خواندن شاهکارهای کلاسیک موضوعی است که پرداختن به آن در این مختصر نمی‌گنجد. در اینجا، فقط می‌توانم به این نکته اشاره کنم که ما تمام کتاب‌هایی را که می‌خوانیم الزاماً معطوف به ویژگی‌های جهان امروز نیست، خاصه اگر ادبیات را هم – مانند علوم – زنجیره و فرآیندی به هم پیوسته و تحول یابنده بدانیم که هیچ جریان هنری و زیباشناختی به صورت

شاهکارهای کلاسیک موضوعی است که پرداختن به آن در این مختصر نمی‌گنجد. در اینجا، فقط می‌توانم به این نکته اشاره کنم که ما تمام کتاب‌هایی را که می‌خوانیم الزاماً معطوف به ویژگی‌های جهان امروز نیست، خاصه اگر ادبیات را هم – مانند علوم – زنجیره و فرآیندی به هم پیوسته و تحول یابنده بدانیم که هیچ جریان هنری و زیباشناختی به صورت

شاهکارهای کلاسیک موضوعی است که پرداختن به آن در این مختصر نمی‌گنجد. در اینجا، فقط می‌توانم به این نکته اشاره کنم که ما تمام کتاب‌هایی را که می‌خوانیم الزاماً معطوف به ویژگی‌های جهان امروز نیست، خاصه اگر ادبیات را هم – مانند علوم – زنجیره و فرآیندی به هم پیوسته و تحول یابنده بدانیم که هیچ جریان هنری و زیباشناختی به صورت

شاهکارهای کلاسیک موضوعی است که پرداختن به آن در این مختصر نمی‌گنجد. در اینجا، فقط می‌توانم به این نکته اشاره کنم که ما تمام کتاب‌هایی را که می‌خوانیم الزاماً معطوف به ویژگی‌های جهان امروز نیست، خاصه اگر ادبیات را هم – مانند علوم – زنجیره و فرآیندی به هم پیوسته و تحول یابنده بدانیم که هیچ جریان هنری و زیباشناختی به صورت

سفر با دانته

«کمدی الهی» دانته کتابی سه جلدی است که خواندنش اگر چه بسیار وقت‌گیر است، برای آنها که به متون کهن و کلاسیک جهان علاقه دارند کتاب بسیار جذاب و پراهمیتی است. این کتاب را اولین‌بار شجاع‌الدین شفا و بعدها «فریده مهدوی‌دامغانی» و «محسن نیکبخت» ترجمه کردند. ترجمه تازه‌تر اما ترجمه «کاوه میرعباسی» از کمدی الهی دانته است که در نمایشگاه کتاب امسال به بازار نشر عرضه شد. کتابی مهم با ترجمه‌ی که سابقه‌ای طولانی در حوزه ترجمه دارد و البته دستی هم در داستان‌نویسی. در گفت‌وگو و یادداشت‌هایی به کمدی الهی و کاوه میرعباسی می‌پردازیم.

و… برای تحقق بخشیدن بخشی از این ضرورت‌ها، ضمن ترجمه «کمدی الهی» مدام دست طلب به جانب ادبیات کلاسیک فارسیِ دراز کرده بودم و بیش از همه به سوی عطار.

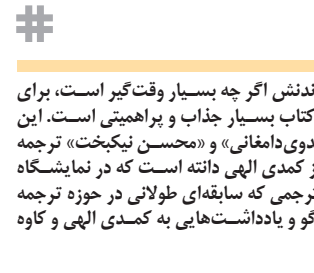
به نظر شما انتخاب زبانی شاعرانه و برگرفته از شاعران ایرانی در کمدی الهی دانته که هویت زبانی‌اش در ایتالیا اتفاق می‌افتد تا چه حد توانسته روایت دیگتری از این کتاب به دست دهد و آیا این شکل معادل‌سازی که اصولاً کار آنچنان تجربه‌شده‌ای نیست چه حد، مرز و مراقبت‌هایی برای مترجمش ایجاد می‌کند؟

اشاره من به بهره گرفتن از شعر کلاسیک فارسی به منزله معادل‌سازی نیست بلکه در جهت همان فرآیند «آشنایی‌زایی» است که قبلاً به آن اشاره کردم، یعنی به عبارت ساده‌تر بهره گرفتن از تعبیرهای شاعرانه و تشبیه‌های بسیار بدیعی که بزرگان شعر ما طی قرون آفریده‌اند و به برکت‌شان زبان شاعرانه ما غنا گرفته و در عین حال که منظور دانته را بیان می‌کنند برای خواننده ایرانی نیز آشنا هستند و آنها احساس خودمانی بودن می‌کند؛ ولی این امر ابتدا به معنی این نیست که «کمدی الهی» را ایرانیزه کرده باشیم و هویت ایتالیایی اثر را از بین برده باشیم. این مطلب با مطالعه خود اثر به مراتب بهتر مفهوم می‌شود تا با توضیحات کوتاه و ناقص من.

حوزه ترجمه در کشور ما گاهی شبیه مسابقه برای معرفی کردن یک نویسنده خارجی می‌شود که حتی ممکن است آنقدرها نویسنده خوب و درجه یکی نباشد، اما صرفاً معرفی او و کتاب‌هایش می‌تواند برگ برنده یک مترجم باشد. اما شما خیلی بی‌علاقه نیستید که کارهایی که در گذشته ترجمه شده‌اند را دوباره ترجمه کنید. چرا به ترجمه این متون علاقه دارید (بیشتر گفت‌هاید که ترجمه خوب مهم است). در این باره قدری بیشتر توضیح دهید؟

شخصاً هیچ‌گاه در این جور مسابقه‌ها شرکت نکرده‌ام، یعنی نخواست‌ام از نویسنده‌ای که به هر دلیل یکباره مورد اقبال عموم قرار گرفته کتابی ترجمه کنم. ولی تلاش‌ها‌یم برای معرفی نویسدگان جدید و آثار مهم ولی ناشناخته در ایران کم نبوده؛ معرفی بنیتو پرت گالدوت (بزرگ‌ترین نویسنده رئالیست اسپانیایی)، ترجمه‌رمان «بیراه» و معرفی نویسنده‌اش اوتیسمانس، ترجمه «نادیا» به‌عنوان نخستین و یکی از شاخص‌ترین رمان‌های سوررئالیستی، ترجمه رمان «قلمرو این عالم» اثر الخو کارپانتیه که یکی از برجسته‌ترین و مهم‌ترین آثار وایسته به رئالیسم جادویی قلمداد می‌شود، ترجمه «قلعه اوترانتو» اولین رمان گوتیک و… گواه این مدعا هستند. متأسفانه جز رمان «نادیا» بقیه این تلاش‌ها نتیجه مطلوبی به بار نیاورده‌اند و گاه حاصل‌شان رفت‌انگیز بوده است. با توجه به این موضوع، اکنون به این نتیجه رسیده‌ام که بهتر است سراغ ترجمه آثار ارزنده‌ای بروم که اقبال عمومی به آنها کم و بیش تثبیت شده است و گستردگی تقاضا باعث می‌شود که تنوع و تعدد عرضه هم چه از نظر اقتصادی و چه از نظر ادبی و هنری توجیه داشته باشد.

بیشترین مشکلی که در مسیر ترجمه این کتاب قطور داشتید به چه بخش یا بخش‌هایی مربوط می‌شد و چه راهکارهایی برای آن پیش گرفتید؟ چرا؟ مهم‌ترین معضلی که در این اثر با آن مواجه شدم و باعث شد چند بار تغییر عقیده بدهم مساله ضبط اسامی (مشخصاً در پی‌نوشت‌ها بود. ابتدا همه اسامی را مطابق دانشنامه مصاحب نوشتم. ولی بعداً دیدم که بسیاری از این اسامی با آنچه طی دهه‌های متوالی رواج یافته‌اند و جا افتاده‌اند و برای مردم آشنا هستند، تفاوت قراوان دارند. نظیر یولیاتوس به جای جولیس (از ژولیوس) سزار یا یاسون بجای جیسون و… بنابراین اسمی را رایج‌تر و به همان صورت آشنا و رایج‌شان ضبط کردم و در پانویس‌ها (و نه در متن) اسم‌های متعلق به هر کشور را مطابق تلفظ در زبان همان کشور ضبط کردم، هرچند که در متن شعرها همان ضبط ایتالیایی را به کار بردم که دانته به کار برده بود.



عکاس: رضا حسینی/فرهنگستان

چرا باز ترجمه متون کهن خوب است
دست‌مریزاد به مترجم

آثار کلاسیک در هر ادبیات و فرهنگی جزء قدیمی‌ترین آثاری هستند که از خلق آنها قرن‌های متمادی گذشته است و از آنجا که زبان پیوسته در حال تغییر است و نگاه به آثار از دید منتقدان و مترجمان از لحاظ فلسفی، روانشناسی و… مختلف است، در نهایت ترجمه‌های قدیمی در زمان حال نیز کهنه به نظر می‌آیند و همین امر الزام ترجمه‌های تازه‌تر را بیشتر نشان می‌دهد.

با این مقدمه باید گفت که ترجمه متون کهن و کلاسیک نیاز به نو شدن دارند. البته باید این نکته را در نظر داشت که موضوع خلق اثر با ترجمه بسیار متفاوت است. اثری مانند شاهنامه، دیوان حافظ یا مثنوی اگر قرار باشد در زبانی دیگر بازنویسی شود کار بسیار عبثی اتفاق خواهد افتاد ولی در ترجمه موضوع کاملاً متفاوت است و خواننده در مقاطع مختلف نیاز به ترجمه‌های مختلف و به‌روز‌شده‌تری دارد.

در تمام دنیا آثار کلاسیک هر چند دهه یکبار ترجمه می‌شوند و این امر فقط مختص ایران نیست. سال ۲۰۱۱ که در نمایشگاه لایپزیک آلمان شرکت کرده بودم هشتمین ترجمه از «جنگ و صلح» تولستوی جایزه گرفت و در نهایت هشتمین ترجمه از این کتاب توانسته بود نظر منتقدان و مترجمان کشور آلمان را به خود جلب کند. پس چنین ترجمه‌هایی بی‌شک لازم به نظر می‌رسد تا در نهایت یکی از آنها خاصیت دریافت جایزه داشته و این ترجمه در نهایت همه را مجاب کرده بود. باید توجه داشت که دانش ما از زبان، سبک و لحن با گسترش زبان‌آموزی از ارتباطات و… بیشتر می‌شود و همین امر باعث می‌شود ترجمه‌های قدیمی جوابگوی این پیشرفت‌ها نباشند و به همین دلیل بیشتر می‌شود ترجمه‌های تازه‌ای از متون قدیمی می‌شود که البته این ترجمه‌ها نیز به نقد و خوانش جدی نیاز دارند.

البته مواردی هم در بحث انتشار کتاب‌های ترجمه وجود دارد که اصلاً با آن موافق نیستم و آن را آسیب بزرگی می‌دانم. یکی از بارزترین آسیب‌ها در این حوزه ترجمه‌های تازه‌ای از متون قدیمی ارائه می‌شود که البته این ترجمه‌ها نیز به نقد و خوانش جدی نیاز دارند

البته مواردی هم در بحث انتشار کتاب‌های ترجمه وجود دارد که اصلاً با آن موافق نیستم و آن را آسیب بزرگی می‌دانم. یکی از بارزترین آسیب‌ها در این حوزه ترجمه‌های تازه‌ای از متون قدیمی ارائه می‌شود که البته این ترجمه‌ها نیز به نقد و خوانش جدی نیاز دارند

البته مواردی هم در بحث انتشار کتاب‌های ترجمه وجود دارد که اصلاً با آن موافق نیستم و آن را آسیب بزرگی می‌دانم. یکی از بارزترین آسیب‌ها در این حوزه ترجمه‌های تازه‌ای از متون قدیمی ارائه می‌شود که البته این ترجمه‌ها نیز به نقد و خوانش جدی نیاز دارند

البته مواردی هم در بحث انتشار کتاب‌های ترجمه وجود دارد که اصلاً با آن موافق نیستم و آن را آسیب بزرگی می‌دانم. یکی از بارزترین آسیب‌ها در این حوزه ترجمه‌های تازه‌ای از متون قدیمی ارائه می‌شود که البته این ترجمه‌ها نیز به نقد و خوانش جدی نیاز دارند

پی‌نوشت: علی عبداللهی شاعر و مترجم در کارنامه خود آثار از شاهکارهای ادبیات آلمانی را دارد.